



دانشجویان، رهبران پژوهشی گام دوم انقلاب اسلامی:

مدل‌سازی گذار از پژوهشگری تا رهبری

اسماعیل قاسمی، حسین تقوی<sup>۱</sup>

۱

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱  
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۳۰

صص: ۵۱-۲۹

شابا چاپی: .....



**چکیده**  
پژوهش حاضر به بررسی فرآیند گذار دانشجویان از پژوهشگری به رهبری پژوهشی در راستای تحقق اهداف گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازد. بر اساس روش تحقیق کیفی و تحلیل محتوای متون مرتبط، مدل مفهومی این گذار طراحی شده است که چهار مرحله رشد پژوهشی و رهبری دانشجویان را شامل پژوهشگری پایه، پژوهشگری فعال و مشارکتی، پژوهشگری پیشرفته و رهبری اولیه، و رهبر پژوهشی معرفی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که توسعه مهارت‌های فردی شامل خودباوری، هوش هیجانی و خودمدیریتی، تقویت مهارت‌های ارتباطی و تیمی، تجربه و مشارکت عملی در پروژه‌های پژوهشی، انتخاب و به‌کارگیری سبک‌های رهبری متناسب با موقعیت و هدایت مستمر مربیان، از ارکان اصلی این گذار هستند. همچنین، مدل بیانگر تعامل پیچیده میان این مولفه‌ها است که رشد تدریجی دانشجویان و آمادگی آنها برای ایفای نقش‌های مستقل و اثرگذار پژوهشی را تسهیل می‌کند. ایجاد فرهنگ پژوهشی، توانمندسازی ساختاری و حمایت نظام‌مند نهادهای دانشگاهی، از دیگر عناصر کلیدی در تحقق این فرآیند به شمار می‌روند. این مدل می‌تواند به‌عنوان راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران، مدیران و مربیان دانشگاهی در تربیت رهبران پژوهشی آینده کشور و ارتقای جایگاه علمی مؤسسات آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.  
**کلیدواژه‌ها:** رهبری، پژوهش، دانشجو، مدیریت آموزشی، گام دوم انقلاب اسلامی.

DOI:

**استناد:** قاسمی، اسماعیل و تقوی، حسین (۱۴۰۴). دانشجویان، رهبران پژوهشی گام دوم انقلاب اسلامی: مدل‌سازی گذار از پژوهشگری تا رهبری، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱(۱)، ۵۱-۲۹.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

esmaeilghasemi6464@gmail.com

۲. استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نه تنها تحولی سیاسی و اجتماعی در کشور ایجاد کرد، بلکه بستری نوین برای بازاندیشی در حوزه‌های علم، فرهنگ و تمدن فراهم آورد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی» بر ضرورت حرکت به سمت خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تأکید کرده و نقش دانشگاه و دانشجو را در این مسیر محوری دانسته‌اند. پژوهش و تولید علم به‌عنوان شریان حیاتی پیشرفت کشور شناخته می‌شوند و اگر در دهه‌های نخست انقلاب تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی و توسعه ظرفیت‌های پژوهشی بود، در گام دوم انقلاب توجه ویژه به کیفیت، کارآمدی و کارآفرینی علمی در اولویت قرار گرفته است.

یکی از چالش‌های کلیدی در تحقق اهداف گام دوم انقلاب، مسئله «رهبری پژوهشی» است. نظام آموزش عالی کشور توانسته است پژوهشگران و متخصصان بسیاری در حوزه‌های مختلف تربیت کند، اما گذار این پژوهشگران به رهبران پژوهشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رهبری پژوهشی فراتر از انجام پژوهش‌های فردی یا انتشار مقالات علمی است و شامل توانایی هدایت تیم‌های تحقیقاتی، طراحی مسیرهای نوآورانه، ایجاد شبکه‌های علمی و تربیت نسل جدید پژوهشگران متعهد و توانمند می‌شود. پژوهشگر موفق کسی است که در تولید علم سهم دارد، اما رهبر پژوهشی کسی است که جریان‌های علمی ایجاد و هدایت می‌کند.

در جهان امروز که علم و فناوری ابزار اصلی قدرت و استقلال کشورها محسوب می‌شوند، وجود رهبران پژوهشی برای هدایت جریان‌های علمی حیاتی است. فقدان این رهبران باعث می‌شود پژوهش‌ها پراکنده، فردمحور و اغلب بی‌ارتباط با نیازهای واقعی جامعه باقی بمانند. در حالی که یکی از محورهای اصلی گام دوم انقلاب حرکت به سمت پیشرفت علمی متعهد به ارزش‌ها و نیازهای ملی است، شکل‌گیری و پرورش رهبران پژوهشی ضرورت غیرقابل اجتنابی برای دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نظام علم و فناوری کشور محسوب می‌شود.

دانشجویان امروز نه تنها باید پژوهشگرانی توانمند باشند، بلکه باید برای ایفای نقش در جایگاه رهبران پژوهشی آینده آماده شوند. این آمادگی صرفاً از طریق آموزش مهارت‌های پژوهشی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند توسعه شایستگی‌های رهبری، تقویت توانمندی‌های فردی و ساختاری و نهادینه‌سازی فرهنگ پژوهش در محیط‌های دانشگاهی است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش

حاضر طراحی و تبیین مدلی برای گذار دانشجویان از پژوهشگری به رهبری پژوهشی در چارچوب اهداف گام دوم انقلاب اسلامی است.

یکی از پرسش‌های مهم نظام آموزش عالی ایران این است که چرا با وجود تعداد بالای پژوهشگران و تولید انبوه مقالات علمی، کشور هنوز در بسیاری از حوزه‌های علمی و فناوری به جایگاه مطلوب جهانی دست نیافته است. پاسخ به این پرسش نیازمند بازنگری در نقش و کارکرد پژوهشگری در دانشگاه‌هاست. پژوهشگرانی که تنها به انتشار مقالات بسنده کنند، نمی‌توانند نقش کلیدی در پیشبرد علمی و تمدنی کشور ایفا کنند. نیاز اصلی، آموزش و تربیت رهبرانی پژوهشی است که توانایی ایجاد جریان‌های علمی، مدیریت پروژه‌های بزرگ و پیوند میان علم و نیازهای جامعه را داشته باشند.

وضعیت کنونی نشان می‌دهد که تمرکز دانشگاه‌ها بر کمیت تولیدات علمی است؛ شاخص‌هایی مانند تعداد مقالات، استنادات و رتبه‌بندی‌های بین‌المللی اغلب معیار ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و پژوهشگران قرار گرفته‌اند. هرچند این شاخص‌ها در ارتقای جایگاه علمی کشور مؤثر بوده‌اند، اما منجر به غفلت از تربیت رهبران پژوهشی شده‌اند. بسیاری از دانشجویان و اعضای هیئت علمی به جای تمرکز بر حل مسائل واقعی کشور، به دنبال انتشار مقالات در مجلات خارجی برای ارتقای جایگاه فردی هستند و در نتیجه پژوهش‌های بسیاری انجام می‌شود که ارتباطی با نیازهای ملی ندارد و تأثیر آن‌ها بر پیشرفت علمی و فناورانه کشور محدود است.

علاوه بر این، ساختارهای دانشگاهی و پژوهشی کشور غالباً به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که مسیر گذار از پژوهشگری به رهبری پژوهشی را تسهیل کنند. در بسیاری از دانشگاه‌ها، برنامه‌ای برای آموزش مهارت‌های رهبری، مدیریت تیم‌های پژوهشی یا تقویت مهارت‌های نرم مانند ارتباطات علمی، شبکه‌سازی و کار گروهی وجود ندارد. از سوی دیگر، فرهنگ حاکم بر محیط‌های علمی بیشتر بر رقابت فردی و کسب امتیازات شخصی تأکید دارد تا بر همکاری و ایجاد جریان‌های جمعی پژوهش.

در چنین شرایطی، شکاف بزرگی میان پژوهشگری و رهبری پژوهشی شکل گرفته است که اگر پر نشود، می‌تواند مانعی جدی در تحقق اهداف علمی و تمدنی گام دوم انقلاب اسلامی باشد. برای رسیدن به مرزهای دانش و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، نیاز به رهبرانی پژوهشی است که با چشم‌انداز روشن، توانمندی مدیریتی و تعهد ارزشی، جریان‌های علمی را هدایت کنند.

بنابراین، ضرورت دارد مدلی بومی و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و علمی ایران طراحی شود که مسیر گذار دانشجویان از پژوهشگری به رهبری پژوهشی را تبیین کند. این مدل باید هم به شایستگی‌های فردی (اخلاقیت، تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی)، هم به توانمندسازی ساختاری (حمایت‌های سازمانی، دسترسی به منابع، سیاست‌گذاری علمی) و هم به فرهنگ‌سازی پژوهشی (ترویج روحیه همکاری، تعهد اجتماعی و پیوند علم با ارزش‌های اسلامی) توجه داشته باشد.

پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از: مسیر گذار از پژوهشگری به رهبری پژوهشی چه ابعاد و مؤلفه‌هایی دارد؟ چه موانعی در این مسیر وجود دارد؟ و چگونه می‌توان با طراحی یک مدل مفهومی این گذار را تسهیل کرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها برای سیاست‌گذاران آموزش عالی و مدیران دانشگاه‌ها اهمیت دارد، بلکه برای خود دانشجویان و پژوهشگران جوان نیز نقشه راهی برای توسعه فردی و ایفای نقش در آینده علمی کشور فراهم می‌آورد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مفهومی گذار دانشجویان از پژوهشگری به رهبری پژوهشی در چارچوب گام دوم انقلاب اسلامی انجام شده است. این مدل می‌تواند به‌عنوان راهنمای تربیت رهبران پژوهشی آینده کشور مورد استفاده قرار گیرد و مسیر تحقق اهداف علمی و تمدنی انقلاب اسلامی را هموار سازد.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیروهای محرکه جامعه در مسیر پیشرفت شناخته می‌شود و به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم رشد مورد توجه قرار می‌گیرد. کشورها بر اساس توانایی خود در تولید و کاربرد علم طبقه‌بندی می‌شوند و توجه به پژوهش از مهم‌ترین عوامل رشد و شکوفایی هر کشور است (قاسمی‌زاد به نقل از مازی، ۲۰۱۳، ۱۳۹۸: ۴۶). در این زمینه، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌عنوان مبدأ تولید دانش، ایده‌ها و فناوری‌های نوین از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. همچنین، نقش مدیریت و هدایت پژوهش‌ها در این مراکز بسیار مهم است. هدایت تحقیقات دانشگاهی یکی از ارکان اصلی نظام آموزش عالی به شمار می‌رود (کاظمی ملک‌محمودی و همکاران، به نقل از کریمیان و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۳۹۶: ۸۷).

تغییر و تحولات سریع جهانی از دهه‌های پایانی قرن بیستم، به زندگی انسان چهره‌ای نوین بخشیده است. در این شرایط، بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که بهترین مسیر پیشرفت جوامع، حرکت به سوی توسعه دانش‌محور است. جوامعی که اعضای آن به‌طور مداوم در حال یادگیری هستند و در تلاشند به یک جامعه یادگیرنده تبدیل شوند، می‌توانند قابلیت رقابت‌پذیری و سازگاری خود را افزایش دهند. انتخاب یادگیری مادام‌العمر به‌عنوان بهترین مسیر توسعه، نظام‌های آموزشی، به‌ویژه آموزش عالی، را با چالش‌های جدیدی مواجه کرده و این موضوع نیازمند توجه به اهداف و به‌کارگیری راهبردهای نوینی است که تسهیل‌کننده ادامه یادگیری برای هر فرد و تحقق جامعه یادگیرنده باشد. با این حال، آموزش عالی به‌دلیل عواملی نظیر کاهش کیفیت آموزش و عدم تناسب برنامه‌های آموزشی با نیازهای دانشجویان و جامعه، با چالش‌های متعددی روبرو است (کریمی و شریف به نقل از دوهمن، سیلور و همکاران و دیو، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

تحقیقات، بستر اصلی توسعه همه‌جانبه، سازندگی و استقلال هر کشور به شمار می‌آید. شکاف اصلی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به تفاوت‌های بسترهای تحقیقاتی آن‌ها بازمی‌گردد. تولید علم و دانایی تنها از طریق پژوهش ممکن است و توسعه‌ای که بر پایه علم باشد، پایدار محسوب می‌شود. تولید علم موجب افزایش دانایی، ایجاد فناوری و در نتیجه اشتغال و ثروت می‌گردد و نهایتاً آسایش و امنیت اجتماعی را فراهم می‌آورد. بدون آشنا کردن دانشجویان با پژوهش در زندگی روزمره، پرورش استعدادها و خلاق آن‌ها در تولید علم و مشارکت در توسعه کشور ممکن نخواهد بود (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵۳).

پژوهش دانشجویی و فرایندهای پژوهشی آنان از تنزل جایگاه و نقش دانشگاه در جامعه جلوگیری می‌کند. چرا که کاهش کیفیت آموزش عالی به این نکته معطوف می‌شود که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نه می‌توانند به‌خوبی بنویسند و نه قادر به تفکر انتقادی هستند (گراوند و همکاران به نقل از راوالی، ۱۳۹۵: ۲۸). با توجه به نیاز روزافزون بشر در عصر کنونی به بهره‌گیری از تکنولوژی و دستاوردهای علمی و پژوهشی برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه، بهبود وضعیت زندگی و معیشت اجتماعی انسان و با در نظر گرفتن جایگاه تخصصی دانشگاه در فعالیت‌ها و فرایندهای علمی و پژوهشی، تولید دانش و فناوری، توجه به نقش و جایگاه دانشجویان به‌عنوان

مخاطبان اصلی دانشگاه و همچنین محور و رکن اجرایی طرح‌های تحقیقاتی، به‌ویژه در رهبری پژوهشی، ضروری است.

با وجود اهمیت پژوهش، این حوزه با چالش‌های ساختاری و عملکردی فراوانی روبرو است و ضعف در پژوهش و عقب‌ماندگی علمی، مهم‌ترین دغدغه و مانع اصلی پیشرفت جوامع در حال توسعه به شمار می‌آید (فضل‌اللهی قمشی و همکاران به نقل از امیری، ۱۳۹۱: ۱۱۰). پژوهش‌هایی که درباره میزان تأکید بر پژوهش‌محوری در دوره‌های تحصیلی آموزش عالی، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی و دکترا انجام شده، نشان می‌دهد که متأسفانه بخش عمده‌ای از موضوعات به‌صورت مستقیم و با استفاده از روش‌های سنتی مورد بررسی قرار گرفته است و دانشجویان و اساتید انگیزه کافی برای انجام تحقیق و پژوهش ندارند (جمشیدی گوهرریزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸).

امروزه پرورش انسان‌های مبتکر، خلاق و خودکارآمد در پژوهش به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها تبدیل شده است. یکی از آرمان‌های جوامع معاصر، تربیت افرادی پژوهشگر است که بتوانند به رشد و اعتلای خود و جامعه کمک کنند. یکی از راه‌های دستیابی به این هدف، توجه به آموزش، به‌ویژه آموزش عالی و موضوع آموزش مبتنی بر پژوهش است (یزدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵).

دانشجویان برای دستیابی به رشد و نوآوری علمی، پیشرفت و ارتقای کیفیت پژوهش‌های خود و رسیدن به جامعه دانا محور، با موانع و چالش‌های متعددی مواجه هستند. از جمله این موانع می‌توان به عدم پشتیبانی دولت از نهادهای پژوهشی، ضعف مدیریت و تصمیم‌گیری، فقدان ساختارهای تحقیقاتی پویا و مستقل، عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری و اجرا، نبود رویکرد نظام‌گرا در تبیین نیازها و اولویت‌های پژوهشی، روشن نبودن راهبرد توسعه، وابستگی روانی به فناوری خارجی، بی‌اعتمادی به توان فناوری علمی و دستاوردهای پژوهشی، فقدان مدیریت علمی، عدم نگرش مثبت نسبت به نقش تحقیقات در تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، فقدان یک سیستم هماهنگ و کارآمد اطلاع‌رسانی برای جلوگیری از موازی‌کاری و هدررفت منابع، عدم سرمایه‌گذاری در اشاعه فرهنگ پژوهش و پایین بودن حجم سرمایه‌گذاری و اعتبارات پژوهشی اشاره کرد (همان به نقل از سعادت، ۱۱۰).

از سوی دیگر، ساختار تحقیقاتی مؤسسات علمی و پژوهشی نیز با چالش‌هایی مواجه است که شامل استقرار مقررات انعطاف‌ناپذیر، محوریت آموزش به جای پژوهش، ضعف فرهنگ پژوهش، رواج سطحی‌نگری، فقدان کادر علمی صرفاً پژوهشی، نبود انگیزه برای پژوهش، کمبود پژوهشگر،

فقدان نظام شایسته‌سالاری، انزوای نیروهای علمی و فقدان نظام صحیح ارزیابی و نظارت بر طرح‌های تحقیقاتی است (فضل الهی قمشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

در سال‌های اخیر، بسیاری از دانشگاه‌ها توجه ویژه‌ای به ارزیابی پژوهش‌های انجام‌شده توسط دانشجویان داشته‌اند و به همین دلیل، تلاش دارند برنامه‌هایی را برای بهبود شرایط و ارتقای کیفیت پژوهش‌های دانشجویی پیاده‌سازی کنند (ایزدی و همکاران به نقل از نخعی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۱). برای دستیابی به موفقیت در پژوهش، دانشجویان به مهارت‌های اساسی نیاز دارند. اما برخی پس از فارغ‌التحصیلی متوجه می‌شوند که محیط‌های آموزشی نتوانسته‌اند این مهارت‌ها را به‌خوبی در آن‌ها ایجاد کنند، که می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس نسبت به توانایی‌های تخصصی‌شان منجر شود. نقص در خودکارآمدی پژوهشی می‌تواند بر فرآیند یادگیری و تمایل به انجام پژوهش تأثیر منفی بگذارد و در نتیجه بر عملکرد آن‌ها اثرگذار باشد. دانشجویانی که به توانایی‌های خود برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی اطمینان ندارند و نمی‌دانند که تمرین و تلاش به موفقیت منجر می‌شود، معمولاً دچار اضطراب می‌شوند، به‌ویژه در زمان ارزیابی. در مقابل، دانشجویانی که به توانایی‌های خود اعتماد دارند، می‌توانند در پژوهش‌ها موفق‌تر عمل کنند (همان به نقل از مایلر و لامبرت شات و بالتیس و همکاران و صالحی و همکاران).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نتوانسته‌اند مهارت‌های ضروری مورد نیاز در سازمان‌ها را به‌دست آورند و در بسیاری از جنبه‌ها، شکاف قابل توجهی بین انتظارات سازمان‌ها و آنچه که دانش‌آموختگان به محیط کار ارائه می‌دهند، وجود دارد. مشخص شده است که دانش و تخصص فنی به‌عنوان یک مهارت ضروری شناخته می‌شود، اما به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست. همچنین، دانش‌آموختگان باید علاوه بر درک مباحثی چون ریاضیات، مهندسی، علم و فناوری، مهارت‌های لازم برای به‌کارگیری این دانش در موقعیت‌های واقعی را نیز داشته باشند. این مهارت‌ها تحت عناوین متنوعی مانند شایستگی‌های غیرفنی، مهارت‌های نرم، مهارت‌های فرایندی، شایستگی‌های عمومی، مهارت‌های قابل انتقال، شایستگی‌های اشتغال‌پذیری، مهارت‌های میان‌رشته‌ای و مهارت‌های عملکردی شناخته می‌شوند. ویژگی مشترک این شایستگی‌ها، کاربردی بودن آن‌ها در حوزه‌های مختلف و در شرایط عملی واقعی است. برخی از این شایستگی‌ها شامل حل مسئله، تفکر سیستمی، تفکر انتقادی و خلاق، ارتباطات، کار تیمی، مسئولیت‌پذیری، مدیریت و

رهبری اجتماعی، یادگیری مادام‌العمر و غیره هستند (سپهوند و همکاران به نقل از زهرین؛ جان؛ اسمیت و ردیش؛ پاتی و کادرنر، ۱۳۹۹: ۷۶).

در سازمان‌های کارآمد، ساختار منابع انسانی به گونه‌ای طراحی می‌شود که دانشجویان بتوانند به‌منظور دستیابی به نتایج مطلوب تلاش کنند و تنها به انجام تکالیف و دریافت پاداش بسنده نکنند. در سال‌های اخیر، تغییراتی در ساختار منابع انسانی صورت گرفته است که از یک الگوی هرمی با کنترل شدید به ساختارهای دایره‌ای یا شبکه‌ای منتقل شده است. در این نوع ساختار، مشارکت ذهنی و عاطفی دانشجویان به‌شدت افزایش یافته و نیاز به کنترل به حداقل رسیده است (چهاردولی و یوسف وند، ۱۳۹۹: ۳۹۹).

با این وجود در بسیاری از نظام‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با تاکید بر مدل‌ها و الگوهای سنتی آموزشی و بی توجه به محدودیت‌ها، موانع و چالش‌های موجود در آنها، علاوه بر اینکه مسیرهای نیل به جامعه یادگیری و دانش محور را از طریق رویکردهای پژوهشی و یادگیرنده محور مسدود کرده‌اند، بلکه نقش آفرینی پژوهشی و استقلال عمل دانشجویان را نیز کاهش داده و همچنین انگیزه و مشارکت آنها را برای ارتقاء رشد علمی و حرفه‌ای، پرسشگری، نوآوری و خلاقیت، خودکارآمدی و مهارت افزایی، تفکر انتقادی، ایجاد شبکه‌های علمی و یادگیری مبتنی بر حل مسأله بازداشته‌اند، فلذا این امر انتقال دانش و تجربه، بهبود کیفیت پژوهش‌های علمی، تقویت فرهنگ پژوهش و پاسخ به نیازهای جامعه را نیز با مشکل مواجه کرده است.

یکی از نگرانی‌های اساسی در نظام آموزش عالی، افت کیفیت پژوهش‌ها به دلیل نبود رهبری پژوهشی مؤثر در دانشگاه‌ها است (پژوهش و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۶).

عدم آشنایی دانشجویان با پژوهش در زندگی و فعالیت‌های روزمره، مانع از پرورش خلاقیت‌های آنان در تولید علم و مشارکت در توسعه کشور خواهد شد (فعلی و همکاران به نقل از انت و یسل، ۱۳۸۵: ۹۵). بنابراین، یکی از مباحث کلیدی در زمینه تحقیق و پژوهش، بررسی باورها و نگرش‌های پژوهشی است، به‌ویژه آن دسته از باورها که به خود محقق مربوط می‌شود. این باورها نقش بسزایی در تصمیم‌گیری برای انجام یا عدم انجام پژوهش دارند و می‌توانند به‌عنوان عوامل مؤثر در اجتناب از پژوهش یا ترغیب به تحقیق محسوب شوند (ایزدی و همکاران به نقل از لامبی و واکارو، ۱۴۰۰: ۷۸).

جایگاه دانشجویان در نظام پژوهشی کشور ما، مشابه سایر افراد در این سیستم، نیازمند یک بازتعریف اساسی است. دانشجوی پژوهشگر به وضوح نمی‌داند که نظام پژوهشی چه انتظاراتی از او دارد و وظایفش بر اساس این انتظارات چیست. برای روشن شدن این مسائل، دانشجو به یک دیالوگ علمی با نظام پژوهشی نیاز دارد. این دیالوگ باید با افراد مجرب و متخصص انجام شود، نه با آموزش‌های خشک و بی‌روح از دیگر دانشجویان، که به نوعی این ارتباط را به یک مونولوگ تبدیل کرده‌اند. به عبارتی، باید از توانایی‌های دانشجویان برای دستیابی به اهداف کلان و تعریف شده نظام پژوهشی بهره‌برداری شود. هر نظام پژوهشی باید یک چارچوب مشخص و عملی به‌عنوان برنامه پژوهشی (Programme Research) برای خود تعریف کند و در ادامه، اولویت‌ها را به‌طور عینی و مصداقی مشخص کرده و نه تنها به تعیین اولویت‌های کلی بپردازد. در این ساختار، دانشجو می‌تواند در کنار اساتید مجرب، به فعالیت و بروز خلاقیت بپردازد و از نقش فعلی خود که عمدتاً منفعلانه است، رهایی یابد. متأسفانه، پژوهش‌های دانشجویی در حال حاضر به مجموعه‌ای از نگاه‌های سطحی و آزمایش و خطا تبدیل شده‌اند. ما با این دیدگاه که پژوهش‌های دانشجویی فقط یک ابزار جزئی برای کسب تجربه هستند، مخالفیم و نیاز به تجدید نظر در این نوع رویکرد برای ارتقاء جایگاه دانشجویان و پذیرش نقشی مؤثر را ضروری می‌دانیم (رحیمی نژاد و مودب، ۱۳۹۲: ۶۵).

در سال‌های اخیر، توجه به نقش دانشجویان در فرآیندهای پژوهشی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی می‌تواند به بهبود انگیزه، افزایش مهارت‌های تحقیقاتی و یادگیری عمیق‌تر محتوا منجر شود (Brew, 2013; Healey & Jenkins, 2009).

پرورش نیروی انسانی توانمند و پویا و در نتیجه حرکت به سمت توسعه پایدار، به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر نقش آموزش و پژوهش، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی است. در این میان، توانایی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در انجام صحیح و اصولی پژوهش، از مراحل اولیه انتخاب موضوع و طرح تحقیق تا کسب نتایج، از اهمیت بالایی برخوردار است. متأسفانه، ضعف‌ها و نواقص مرتبط با این موضوع به‌عنوان مسأله‌ای که کمتر مورد توجه قرار گرفته، در میان بسیاری از دانشجویان به‌وضوح مشاهده می‌شود. بسیاری از دانشجویان به دلایل مختلف در انتخاب موضوع پژوهش برای رساله خود دچار سردرگمی و تشویش می‌شوند که این امر نه تنها می‌تواند به انتخاب نادرست و

برخلاف علایق شخصی منجر شود، بلکه می‌تواند نگرانی‌ها و بی‌میلی‌هایی را نیز در آن‌ها ایجاد کند (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۸).

در نظام‌های آموزش عالی موفق، خروجی دوره‌های تحصیلات تکمیلی پژوهشگرانی هستند که با آشنایی با روش‌های پژوهش، قادر به تولید نظریه‌های جدید به منظور حل مشکلات جامعه یا توسعه کمی و کیفی یک رشته علمی خاص می‌شوند (زین آبادی و همکاران به نقل از عطاران و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۰).

رویکرد پژوهش محور یک رویکرد جامع است که شامل الگوهایی مانند حل مسئله، اکتشاف، تفکر انتقادی و الگوی استقرایی می‌شود. در این رویکرد، پژوهشگر این امکان را دارد که بسته به شرایط و موقعیت، از هر یک از این الگوها یا ترکیبی از آن‌ها استفاده کند (چاوشی و همکاران به نقل از حسین پور طولازدهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

رهبری یکی از موضوعات کلیدی در تحقیقات مرتبط با سازمان و مدیریت به شمار می‌آید. یکی از رویکردهای جدید در این حوزه، رهبری دانش محور است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳). رهبران پژوهشی در دانشگاه‌ها به‌عنوان مرکز هماهنگی و رمزگشایی در فرآیند تولید دانش عمل می‌کنند. محققان بر اهمیت ارتباط قوی میان سبک‌های رهبری، پیروی پیروان و ایجاد دانش در ارزیابی‌ها تأکید کرده‌اند (پژوهش و همکاران به نقل از فیلیپ، ۱۴۰۲: ۴۲۵).

#### پیشینه

هارتفیلد و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ارتباط مؤثر در رهبری دانشجویی» بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی در موفقیت رهبری دانشجویی تأکید کرده‌اند. آنان نشان داده‌اند که تقویت مهارت‌هایی نظیر گوش دادن فعال، بیان شفاف پیام‌ها و همدلی با دیگران، زمینه‌ساز ایجاد اعتماد، همکاری و شفافیت در تیم‌های دانشجویی است و توسعه این مهارت‌ها می‌تواند دانشجویان را به رهبرانی توانمند در محیط‌های تحصیلی و حرفه‌ای تبدیل کند.

حنیف و پی دایا (۲۰۲۳) مدل رهبری توزیع‌شده را بررسی کرده و نشان داده‌اند که توزیع مسئولیت‌های رهبری میان دانشجویان، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها و پروژه‌های گروهی را افزایش می‌دهد. رهبری توزیع‌شده به‌عنوان فرایندی جمعی و مشارکتی، همکاری و تعامل مثبت در

محیط‌های آکادمیک را تقویت می‌کند. سوکه‌لا و مرهولا (۲۰۲۲) نیز مسیر تکاملی تبدیل شدن به رهبر دانشجویی را از طریق رویکردهای توسعه‌ای، تحول‌گرا و تبادلی تحلیل کرده‌اند و یافته‌ها نشان می‌دهد که رهبران دانشجویی تحت تأثیر نگرانی‌های مربوط به توسعه مهارت‌ها و تجربیات خود هستند و مربیگری رهبران باتجربه نقش کلیدی در رشد آنان ایفا می‌کند.

ولفورد و همکاران (۲۰۲۲) به رهبری پژوهشی در علوم اجتماعی پرداخته و اهمیت آموزش ساختارمند و مربیگری را برای تقویت مهارت‌های پژوهشگران تازه‌وارد برجسته کرده‌اند. این رویکردها دانشجویان پژوهشگر را قادر می‌سازد تا با چالش‌های علمی و اجتماعی مواجه شوند و مهارت‌های رهبری خود را ارتقا دهند. هادزیاهمتویچ و همکاران (۲۰۲۲) با مرور ۹۰ مقاله، سبک‌های رهبری شامل تحول‌آفرین، اصیل و معامله‌ای را تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که رهبری تحول‌آفرین نوآوری و تفکر انتقادی دانشجویان را تقویت می‌کند، در حالی که رهبری اصیل اعتماد و همکاری در پژوهش‌های مشترک را افزایش می‌دهد. این تحلیل می‌تواند دانشگاه‌ها را در طراحی روش‌های مؤثر رهبری پژوهشی راهنمایی کند.

پژوهش و همکاران (۱۴۰۲) هشت مولفه اصلی رهبری پژوهشی شامل انگیزه، توسعه فکری و رفتاری، هویت حرفه‌ای، سبک رهبری، موانع، زمینه‌های ضروری و مهارت‌های تیم‌سازی را شناسایی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت حرفه‌ای و مهارت‌های تیم‌سازی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت پژوهش‌ها و تعاملات علمی دارند. این یافته‌ها با نتایج محمودی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد که ارتباط مثبت بین رهبری دانش‌محور و مرجعیت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی را نشان داده و بر اهمیت رهبری دانش‌محور در ارتقای جایگاه علمی مؤسسات آموزشی تأکید کرده‌اند.

رحیمی‌نژاد و مودب (۱۳۹۲) بر نقش دانشجویان در فرایند تبدیل شبه‌علم به علم تأکید دارند و نشان می‌دهند که پژوهش‌های دانشجویی نیازمند بازتعریف اهداف و رویکردها هستند تا دانشجویان به نیروهای تولید علم واقعی تبدیل شوند. این دیدگاه با یافته‌های امیریان‌زاده و همکاران (۲۰۱۱) همسو است؛ آنان نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی مانند هوش عاطفی، خودباوری، مشارکت در فعالیت‌های علمی و فرهنگ مؤسسه، در توسعه شایستگی‌های رهبری دانشجویی مؤثر است و می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نیازهای واقعی دانشجویان نقش کلیدی ایفا کند.

سهریش کاشان و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که مهارت‌های رهبری دانشجویی اثر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دارند و ارتباط بین پنج عامل کلیدی رهبری و موفقیت تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی قابل مشاهده است. پو وانگ (۲۰۲۳) رهبری دانشجویی را توانایی‌ای چندبعدی معرفی می‌کند که شامل خودشناسی، خودمدیریتی، خودانگیختگی، ارتباط و همکاری، حل مسئله نوآورانه و خدمات‌دهی است و بر اهمیت توسعه راهبردهای آموزشی مؤثر برای پرورش این مهارت‌ها تأکید دارد. هاین (۲۰۱۴) ویژگی‌های هفت مدل رهبری شامل تعاملی، تحول‌آفرین، کاریزماتیک، خدمتگزار، توزیع‌شده، مسیحی و دانشجویی را بررسی کرده و پیشنهاد می‌کند که طراحی مدل‌های رهبری باید با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی صورت گیرد تا پاسخگوی نیازهای دانشجویان باشد. اسمیت و آستین (۲۰۱۹) نیز تأثیر تجربیات رهبری بر خلاقیت دانشجویان کارشناسی را نشان داده‌اند؛ فعالیت‌هایی نظیر برنامه‌ریزی رویدادها، همکاری و تعریف مجدد خلاقیت از طریق نقش‌های رهبری، مهارت‌های خلاقانه دانشجویان را تقویت می‌کند.

میک هیلی و آلن جنکینز (۲۰۰۹) اهمیت تجربه یادگیری از طریق پژوهش در مقطع کارشناسی را مورد تأکید قرار داده‌اند و معتقدند این تجربیات مهارت‌های تحلیلی و انتقادی دانشجویان را ارتقا می‌دهد و آنان را برای ورود به دنیای حرفه‌ای آماده می‌سازد. لی و کیم (۲۰۲۱) نیز نشان داده‌اند که مشارکت در برنامه‌های توسعه سازمانی، آمادگی و توانایی‌های رهبری دانشجویان را افزایش می‌دهد و بر اهمیت پرورش مهارت‌های اساسی رهبری تأکید می‌کند.

### یافته‌های پژوهش

#### مدل گذار از پژوهشگری به رهبری پژوهشی

این مدل، فرایند توسعه توانمندی‌های پژوهشی دانشجویان را از مراحل اولیه پژوهشگری تا نقش رهبری مستقل و اثرگذار در فعالیت‌های پژوهشی را تشریح می‌کند. هدف اصلی مدل، شفاف‌سازی مسیر رشد پژوهشی و رهبری دانشجویی و تعیین نقش مربیان و نهادها در هر مرحله است.

#### مرحله ۱: پژوهشگری پایه

هدف؛ شکل‌گیری توانمندی‌های پژوهشی اولیه

### ویژگی‌ها و مهارت‌ها:

- آشنایی با روش‌های تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها (می‌هیلی و جنکینز، ۲۰۰۹)
- پرورش مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی
- مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی کوچک و یادگیری تجربی
- خودانگیزگی و کنجکاوی علمی (پو وانگ، ۲۰۲۳)

### نقش مربیان؛ ارائه راهنمایی و نظارت مستقیم، ایجاد فرصت‌های تجربه عملی

این مرحله نقطه آغازین مسیر پژوهشی است و هدف اصلی آن شکل‌گیری توانمندی‌های پژوهشی اولیه در دانشجویان است. دانشجو در این مرحله با مبانی روش‌های تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها آشنا می‌شود و مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی اولیه را پرورش می‌دهد. مشارکت در پروژه‌های کوچک پژوهشی و یادگیری تجربی، امکان آزمون و خطا و تقویت کنجکاوی علمی را فراهم می‌کند. خودانگیزگی و کنجکاوی علمی، به عنوان مولفه‌های مهم این مرحله، دانشجو را به پژوهش مستقل تشویق می‌کند و زمینه رشد آینده را آماده می‌سازد. نقش مربیان در این مرحله، ارائه راهنمایی مستقیم و نظارت مستمر است تا دانشجویان بتوانند بدون احساس سردرگمی، مهارت‌های پایه‌ای پژوهش را فراگیرند. از منظر نظری، این مرحله با نظریه‌های یادگیری تجربی و خودتنظیمی همخوانی دارد و تاکید آن بر تجربه عملی و تعامل با مربیان است.

### مرحله ۲: پژوهشگری فعال و مشارکتی

هدف؛ توسعه مهارت‌های پژوهشی و تیمی

### ویژگی‌ها و مهارت‌ها:

- توانمندی در کار گروهی و تیم‌سازی (پژوهش و همکاران، ۱۴۰۲)
  - به‌کارگیری مهارت‌های ارتباطی مؤثر برای هماهنگی با هم‌تیمی‌ها و اساتید (هارتفیلد و همکاران، ۲۰۲۴)
  - توسعه هویت حرفه‌ای و انگیزه‌های پژوهشی (پژوهش و همکاران، ۱۴۰۲)
  - مشارکت در پروژه‌های گروهی و یادگیری رهبری توزیع‌شده (حنیف و پی دایا، ۲۰۲۳)
- نقش مربیان؛ ارائه بازخورد، توانمندسازی دانشجو برای نقش‌های کوچک رهبری در تیم پژوهشی

در این مرحله، تمرکز از مهارت‌های فردی پایه به توسعه مهارت‌های پژوهشی و تیمی منتقل می‌شود. دانشجوی یاد می‌گیرد چگونه در یک تیم پژوهشی موثر عمل کند، نقش‌های خود را در پروژه‌ها شناسایی و مهارت‌های ارتباطی و هماهنگی با اعضای تیم را به کار گیرد. توسعه هویت حرفه‌ای و انگیزه‌های پژوهشی، از دیگر ویژگی‌های این مرحله است که دانشجوی را به مشارکت فعال در پروژه‌های گروهی تشویق می‌کند. مشارکت در رهبری توزیع‌شده، فرصتی برای تجربه اولیه رهبری در سطح کوچک فراهم می‌کند. نقش مربیان در این مرحله، ارائه بازخورد مستمر، توانمندسازی دانشجوی برای ایفای نقش‌های کوچک رهبری و تشویق او به توسعه مهارت‌های میان‌فردی است. این مرحله اهمیت تعامل اجتماعی، شبکه‌سازی و توسعه مهارت‌های نرم را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که پژوهش علمی تنها فعالیت فردی نیست بلکه محصول همکاری، تعامل و ارتباط موثر میان اعضای تیم است.

### مرحله ۳: پژوهشگری پیشرفته و رهبری اولیه

هدف؛ آغاز ایفای نقش‌های رهبری در فعالیت‌های پژوهشی و دانشجویی

#### ویژگی‌ها و مهارت‌ها:

- به‌کارگیری سبک‌های مختلف رهبری متناسب با موقعیت (هادی‌باهمت‌تویچ و همکاران، ۲۰۲۲)
- توانایی ترکیب نوآوری و تفکر انتقادی با هدایت تیم (اسمیت و آستین، ۲۰۱۹)
- توسعه خودشناسی، خودمدیریتی و مهارت حل مسئله (پو وانگ، ۲۰۲۳)
- تجربه رهبری عملی در کلاس، انجمن‌های دانشجویی یا پروژه‌های تحقیقاتی (امیریان‌زاده و همکاران، ۲۰۱۱)

نقش مربیان؛ راهنمایی در پروژه‌های بزرگ‌تر، فراهم کردن فرصت‌های رهبری توزیع‌شده، تشویق

به بازخورد و یادگیری مستمر

این مرحله، نقطه گذار دانشجوی از پژوهشگری صرف به نقش‌های اولیه رهبری در پژوهش و فعالیت‌های دانشجویی است. توانایی ترکیب نوآوری، تفکر انتقادی و هدایت تیم، از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرحله محسوب می‌شود. دانشجوی با تجربه عملی رهبری در کلاس‌ها، انجمن‌های

دانشجویی یا پروژه‌های تحقیقاتی، مهارت‌های خودشناسی و خودمدیریتی را تقویت می‌کند و توانایی حل مسئله را در شرایط واقعی تمرین می‌کند. مربیان در این مرحله نقش راهنما و مشاور پروژه‌های بزرگ‌تر را دارند و با ایجاد فرصت‌های رهبری توزیع‌شده و تشویق به بازخورد مستمر، دانشجویان را برای پذیرش مسئولیت‌های پیچیده‌تر آماده می‌کنند. این مرحله به‌وضوح نشان می‌دهد که رهبری پژوهشی نیازمند ترکیبی از مهارت‌های فردی، تجربی و اجتماعی است و رشد آن مستلزم هدایت و حمایت مداوم مربیان و محیط علمی است.

#### مرحله ۴: رهبر پژوهشی

هدف؛ ایفای نقش رهبری مستقل و اثرگذار

#### ویژگی‌ها و مهارت‌ها:

- توانمندی در رهبری تحول‌آفرین، اصیل و دانش‌محور (هادی‌هاشم‌تویچ و همکاران، ۲۰۲۲؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۹)
- ایجاد اعتماد، شفافیت و همکاری مؤثر در تیم‌های پژوهشی (هارتفیلد و همکاران، ۲۰۲۴)
- هدایت و مربیگری پژوهشگران نوظهور
- ایفای نقش در تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک دانشگاهی یا پروژه‌ای
- تسهیل خلق دانش و ارتقای جایگاه علمی مؤسسه (رحیمی‌نژاد و مودب، ۱۳۹۲)

نقش مربیان و نهادها؛ حمایت مستمر، ایجاد چارچوب‌های رهبری مبتنی بر شواهد، فرصت‌های

بین‌رشته‌ای و شبکه‌سازی حرفه‌ای

در نهایت، دانشجویان به مرحله‌ای می‌رسند که توانمندی رهبری مستقل و اثرگذار در پژوهش و فعالیت‌های دانشگاهی را دارد. رهبر پژوهشی قادر است تیم‌ها را با اعتماد، شفافیت و همکاری مؤثر هدایت کند و سبک‌های مختلف رهبری از جمله تحول‌آفرین، اصیل و دانش‌محور را متناسب با موقعیت به کار گیرد. علاوه بر هدایت تیم‌های پژوهشی، رهبر پژوهشی مسئولیت مربیگری پژوهشگران نوظهور، ایفای نقش در تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک و تسهیل خلق دانش و ارتقای جایگاه علمی مؤسسه را بر عهده دارد. نقش مربیان و نهادها در این مرحله، حمایت مستمر، ایجاد چارچوب‌های رهبری مبتنی بر شواهد، فراهم کردن فرصت‌های بین‌رشته‌ای و شبکه‌سازی

حرفه‌ای است. این مرحله نمایانگر تکامل دانشجوی پژوهشگر به یک رهبر علمی است که نه تنها خود توانمند است، بلکه توانایی پرورش نسل بعدی پژوهشگران را نیز دارد

#### مولفه‌های کلیدی مدل

- ❖ **مهارت‌های فردی؛** هوش هیجانی، خودباوری، خودمدیریتی (امیریان‌زاده و همکاران، ۲۰۱۱؛ پووانگ، ۲۰۲۳)
- ❖ **مهارت‌های ارتباطی و تیمی؛** گوش دادن فعال، بیان واضح، همدلی، همکاری، اعتمادسازی (هارتفیلد و همکاران، ۲۰۲۴؛ پژوهش و همکاران، ۱۴۰۲)
- ❖ **تجربه و مشارکت عملی؛** مشارکت در پژوهش‌ها، نقش‌های رهبری در کلاس و انجمن‌ها (می‌هیلی و جنکینز، ۲۰۰۹)
- ❖ **سبک‌های رهبری؛** تحول‌آفرین، اصیل، معامله‌ای، توزیع‌شده، خدمتگزار (هادی‌اهمت‌ویچ و همکاران، ۲۰۲۲؛ حنیف و پی‌دایا، ۲۰۲۳)
- ❖ **هدایت و مربیگری؛** حمایت اساتید و رهبران باتجربه، آموزش ساختارمند و فرصت‌های تجربی (سوکه‌لا و مرهولا، ۲۰۲۲؛ ولفورد و همکاران، ۲۰۲۲).

#### نتیجه‌گیری

مدل گذار از پژوهشگری به رهبری پژوهشی، فرآیند رشد و تکامل دانشجویان را نه به‌عنوان مسیری خطی و ساده، بلکه به‌عنوان یک روند پویا، چندبعدی و در عین حال پیچیده ترسیم می‌کند؛ روندی که حاصل تعامل و هم‌افزایی میان چهار مولفه اساسی است: مهارت‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، تجربه‌های عملی و هدایت مربیان. این مدل به‌روشنی نشان می‌دهد که حرکت از جایگاه یک پژوهشگر تازه‌کار به سطح یک رهبر پژوهشی مستقل و اثرگذار تنها با تمرکز بر یک بعد خاص - مثلاً صرفاً توانایی علمی یا تجربه عملی - ممکن نیست. بلکه باید مجموعه‌ای از مهارت‌ها، تجربه‌ها و حمایت‌ها در کنار هم قرار گیرند تا امکان شکل‌گیری رهبری پژوهشی فراهم شود.

در گام نخست، مهارت‌های فردی همچون خودباوری، خودمدیریتی، انضباط شخصی، کنجکاوی علمی، انگیزه درونی و توانایی تفکر تحلیلی زیربنای اساسی این مسیر را تشکیل می‌دهند. این مهارت‌ها

پایه‌ای هستند که بدون آن‌ها هیچ یک از دیگر مولفه‌ها به‌طور کامل بروز پیدا نخواهند کرد. پژوهشگری که فاقد خودانضباطی یا مدیریت هیجان است، حتی اگر به بهترین پروژه‌ها یا منابع دسترسی داشته باشد، نمی‌تواند از فرصت‌های موجود به‌طور بهینه استفاده کند. بنابراین، مهارت‌های فردی نقش ستون‌های بنیادین را دارند و همچون زیرساختی عمل می‌کنند که سایر ابعاد بر آن بنا می‌شوند. در عین حال، این مهارت‌ها فقط به جنبه فردی محدود نیستند؛ بلکه بر نحوه تعامل فرد با دیگران، نحوه مواجهه با چالش‌های علمی و حتی توانایی در پذیرش نقش‌های پیچیده‌تر در آینده نیز اثرگذارند.

با پیشرفت دانشجو و ورود او به مراحل بالاتر، نقش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی پررنگ‌تر می‌شود. پژوهش ذاتاً فعالیتی جمعی است و کیفیت آن وابسته به میزان همکاری و تعامل اعضای تیم است. در این مرحله، توانایی‌هایی مانند گوش دادن فعال، اعتمادسازی، ارائه مؤثر ایده‌ها، حل تعارض و همدلی به‌عنوان ابزارهای کلیدی عمل می‌کنند که موجب تقویت همکاری‌های علمی می‌شوند. اهمیت این مهارت‌ها در آن است که پلی میان توانمندی‌های فردی و تجربه عملی ایجاد می‌کنند. دانشجویی که توانایی ارتباطی بالایی دارد، بهتر می‌تواند ایده‌های خود را منتقل کند، دیگران را متقاعد سازد و در عین حال از تجارب جمعی بهره‌مند شود. این تعامل، علاوه بر ارتقای کیفیت پژوهش، بستری برای پرورش نقش‌های رهبری توزیع‌شده در تیم‌ها فراهم می‌آورد و باعث می‌شود که دانشجو به‌تدریج توانمندی‌های رهبری خود را در بستر واقعی محک بزند.

تجربه عملی سومین رکن کلیدی در این مدل است. هیچ میزان از مهارت‌های فردی یا اجتماعی بدون حضور در میدان عمل به رشد واقعی منجر نمی‌شود. مشارکت در پروژه‌های متنوع، ایفای نقش‌های گوناگون و مواجهه با شرایط واقعی پژوهش، فرصتی است برای آزمون و خطا، کسب بینش‌های جدید و تقویت مهارت‌های پیشین. دانشجویانی که در تجربه‌های واقعی مشارکت می‌کنند، نه تنها آموخته‌های نظری خود را به کار می‌گیرند بلکه با چالش‌های مدیریتی، محدودیت‌های منابع، فشار زمان و پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری نیز روبه‌رو می‌شوند. این تجارب به آن‌ها کمک می‌کند سبک‌های رهبری انعطاف‌پذیر و تطبیق‌پذیر را توسعه دهند. به بیان دیگر، تجربه عملی همان جایی است که توانمندی‌های فردی و اجتماعی به بار می‌نشینند و به مهارت‌های رهبری واقعی تبدیل می‌شوند.

در پی این مراحل، فرآیند شکل‌گیری سبک‌های رهبری پژوهشی اهمیت می‌یابد. رهبر پژوهشی موفق کسی است که بتواند متناسب با موقعیت، سبک‌های متفاوت رهبری را به کار گیرد؛ گاهی

رویکرد تحول‌آفرین برای ایجاد انگیزه در تیم، گاهی سبک خدمتگذار برای حمایت از اعضا، گاهی رهبری توزیع‌شده برای تقسیم مسئولیت‌ها و در مواقعی نیز رهبری اصیل برای ایجاد اعتماد و شفافیت. این انعطاف‌پذیری، نشانه بلوغ حرفه‌ای و توانایی مدیریت شرایط متغیر است. چنین توانایی‌هایی نه تنها باعث ارتقای عملکرد پژوهش می‌شوند، بلکه دانشجویان را برای ایفای نقش‌های کلان‌تر در جامعه علمی و حرفه‌ای آماده می‌کنند.

در این میان، نقش هدایت و مربیگری برجسته است. هیچ مسیری از پژوهشگری به رهبری پژوهشی بدون حضور مربیان و حمایت‌های سازمانی به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد. مربیان با ارائه بازخوردهای مستمر، ایجاد فرصت‌های شبکه‌سازی، حمایت روانی و فراهم کردن بستر مشارکت‌های بین‌رشته‌ای، نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند. آن‌ها پلی میان تجربه عملی و توسعه مهارت‌های رهبری هستند و رشد پژوهشی را به فرآیندی پایدار و سیستماتیک تبدیل می‌سازند. در غیاب چنین حمایتی، حتی پژوهشگران با انگیزه و توانمند نیز ممکن است در دستیابی به رهبری مستقل با محدودیت‌های جدی روبه‌رو شوند.

بر اساس تحلیل نهایی، روشن می‌شود که هیچ‌یک از این مولفه‌ها به‌تنهایی کافی نیست. موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که میان مهارت‌های فردی، مهارت‌های ارتباطی، تجربه عملی و هدایت مربیان نوعی هم‌افزایی و تعادل برقرار گردد. این هم‌افزایی، فرآیند رشد پژوهشی را پویا، تدریجی و در عین حال قابل پیش‌بینی می‌سازد و دانشجویان را در مسیر تبدیل شدن به رهبران پژوهشی مستقل هدایت می‌کند.

پیامدهای آموزشی و حرفه‌ای این مدل نیز قابل توجه‌اند. از منظر آموزشی، ارائه چارچوبی روشن برای مسیر رشد پژوهشی، به دانشجویان کمک می‌کند تا وضعیت خود را در هر مرحله ارزیابی کنند، شکاف‌های موجود را شناسایی نمایند و برای توسعه مهارت‌های مورد نیاز برنامه‌ریزی هدفمند انجام دهند. این مدل همچنین به نهادهای دانشگاهی و مراکز پژوهشی امکان می‌دهد برنامه‌های آموزشی و حمایتی خود را متناسب با نیازهای واقعی دانشجویان طراحی کنند و از تمرکز صرف بر جنبه‌های نظری یا فنی بپرهیزند.

از منظر حرفه‌ای، تأکید این مدل بر مهارت‌های تیمی و رهبری توزیع‌شده، دانشجویان را برای مشارکت در پروژه‌های میان‌رشته‌ای و همکاری‌های بین‌المللی آماده می‌کند. در دنیای امروز که

پژوهش بیش از هر زمان دیگری ماهیتی جهانی پیدا کرده، رهبران پژوهشی باید توانایی تعامل با گروه‌های متنوع، فرهنگ‌های مختلف و زمینه‌های علمی گوناگون را داشته باشند. بنابراین، این مدل نه تنها برای توسعه فردی دانشجویان مفید است، بلکه قابلیت کاربرد در سطح سیاست‌گذاری علمی کشور و ارتقای جایگاه بین‌المللی پژوهش را نیز دارد.

در نهایت، مدل گذار از پژوهشگری به رهبری پژوهشی تنها یک چارچوب نظری نیست؛ بلکه نقشه راهی جامع برای پرورش نسل جدیدی از رهبران علمی است که می‌توانند در دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و حتی در سطح جامعه نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشند. این مدل ضمن ارتقای توانمندی‌های علمی دانشجویان، زمینه را برای بروز نوآوری، افزایش کیفیت پژوهش و حل مسائل پیچیده علمی و اجتماعی فراهم می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که مسیر ترسیم‌شده در این مدل، نه تنها رشد فردی دانشجویان را تضمین می‌کند، بلکه آینده پژوهش و توسعه علمی در سطح ملی و جهانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### فهرست منابع

- ایزدی، حامد؛ خسروی پور، بهمن و سواری، مسلم (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۳)، ۷۵-۹۵.
- پژوهش، شبلم؛ پرسته قمبرانی، فاطمه؛ عبدالهی، مژگان و محمد داوودی، امیرحسین (۱۴۰۲). مروری بر فراتحلیل رهبری پژوهشی در توسعه آموزشی و خلق دانش در دانشگاه‌ها، توسعه‌ی آموزش جندی شاپور، ۱۴(۴)، ۴۲۰-۴۳۷.
- سپهوند، رضا؛ موسوی، سید نجم‌الدین و کولیوند، حسن (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر توسعه آموزش‌های پژوهش‌محور در دانشگاه‌های افسری آجا: مورد مطالعه دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص)، آموزش علوم دریایی، ۶(۲۲)، ۷۵-۹۱.
- صالحی، محمد؛ سعیدی، پرویز؛ جباری، نگین؛ کاظمی ملک‌محمودی، مریم و کاظمی ملک‌محمودی، شمیم (۱۳۹۵). موانع انجام فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، توسعه‌ی آموزش جندی شاپور، ۷(۱)، ۸۴-۹۳.
- جمشیدی گوهرریزی، اعظم؛ عباسی سروک، لطف‌الله؛ شریعتمداری، مهدی و کردستانی، فرشته (۱۳۹۹). ارائه الگوی دانشگاه پژوهش‌محور برای واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران، علوم اجتماعی، ۱۴(۲)، ۶۱-۸۳.
- چاوشی، الهام؛ شاه‌طلابی، بدری و ابراهیم‌زاده، رضا (۱۳۹۹). پژوهش‌محوری چندلایه: ارائه مدل پارادایمی مدرسه پژوهش‌محور، رویکردی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۵)، ۱۳۳-۱۶۶.
- چهاردولی، عباس و یوسف‌وند، مهدی (۱۳۹۹). طراحی مدل برای توسعه بهتر سرمایه‌های انسانی مبتنی بر نیازهای خودتعیینی و آموزشی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی)، توسعه‌ی آموزش جندی شاپور، ۱۱(۳)، ۳۹۸-۴۱۰.
- قاسمی‌زاد، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی مشکلات مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و ارائه راه‌حل مناسب، پژوهش‌های تربیتی، ۳۸، ۴۶-۵۹.
- قنبری، رضا (۱۴۰۲). شناسایی شایستگی‌های رهبری دانشجویان: مطالعه‌ی کیفی، مدیریت دانشگاهی، ۲(۴)، ۳۴-۶۵.
- زین آبادی، حسن رضا؛ مرادی برزل‌آباد، رقیه؛ یاسینی، علی و تابان، محمد (۱۳۹۵). محیط پژوهش‌آموزی، کیفیت تعامل استاد-دانشجو و خودکارآمدی پژوهش: ارائه یک الگو، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۵(۲)، ۳۳۹-۳۵۸.

- نجفی، رامین؛ خراسانی، اباصلت؛ حقانی، محمود و ابوالقاسمی، محمود (۱۴۰۰). مطالعه تجربیات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران از اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۴(۲)، ۱۳۷-۱۶۸.
- فعلی، سعید؛ پزشکی‌راد، غلامرضا و چیدری، محمد (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴(۴۲)، ۹۳-۱۰۶.
- محقق، مرتضی؛ محقی، محمد کاظم و عالی فلاح الکانی، معصومه (۱۳۹۸). ارزیابی پژوهش‌های دانشگاهی در کشورهای اسلامی (آسیب‌شناسی و راهکارهای حقوقی)، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۷.
- رحیمی‌نژاد، محمد احسان و مودب، امیر حسین (۱۳۹۲). نقش دانشجویان در نظام پژوهشی کشور، پژوهان، ۱۲(۱)، ۶۴-۶۷.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌الله؛ نوروزی، عباس علی و ملکی‌توانا، منصوره (۱۳۹۱). بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های فرهنگیان، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۹(۲)، ۵(۳۲)، ۱۰۸-۱۲۲.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش‌های کیفی برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های ساده و کاربردی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- گراوند، هوشنگ؛ کارشکی، حسین و آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۵). آزمون روابط ساختاری بین خودکارآمدی پژوهشی، عوامل اجتماعی و محیط آموزشی-پژوهشی دانشگاه با عملکرد آموزشی-پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۴(۳)، ۲۷-۴۸.
- کاظمی ملک محمودی، شیماء؛ صالحی، محمد؛ سعیدی، پرویز و جباری، نگین (۱۳۹۵). موانع انجام فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، توسعه آموزش جندی شاپور، ۷(۱)، ۸۴-۹۳.
- کایدی، اعظم؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ شریفیان، فریدون و موسوی‌پور، سعید (۱۴۰۰). واکاوی عناصر برنامه درسی روش تحقیق در دانشگاه‌های برتر جهان: مطالعه موردی رشته روانشناسی، پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی، ۱۱(۲)، ۴۳-۶۶.
- کریمی، صدیقه و شریف، مصطفی (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش عالی در تدوین محتوای برنامه درسی با رویکرد جامعه‌یادگیری، رویکردهای نوین آموزشی، ۹(۱)، ۱۰۷-۱۴۲.

کرابی، سمانه؛ حسینی، سعیده؛ ناعمی، حسن؛ کرابی، فاطمه و رخشانی، محمدحسن (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به انجام پژوهش در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال ۱۳۹۱، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی سبزوار، ۱۷(۳ و ۴)، ۹-۱۷.

محمودی، محمد کاظم؛ صالحی، محمد و تقوایی یزدی، مریم (۱۳۹۹). تأثیر رهبری دانش محور بر مرجعیت علمی به منظور ارائه مدل در دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه یک، طب و تزکیه، ۲۹(۱)، ۱۲-۲۳.

رمضان، عباسعلی؛ فرجی، عبیدالله؛ علی‌آبادی، علی و نورمحمدیان، امید (۱۳۹۰). دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به عوامل مؤثر بر تحقیق و پژوهش در سال تحصیلی ۸۵-۸۶، آموزش در علوم پزشکی، ۱۱(۵)، ۴۵۳-۴۵۴.

- Amiranzadeh, M., Jaafari, P., Ghourchean, N., & Jowkar, B. (2011). Student leadership competencies development. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 1616-1620.
- Barry Z. Posner (2012). Effectively Measuring Student Leadership, *Administrative Sciences*, 2, 221-234.
- Brew, A. (2013). Understanding the scope of undergraduate research: A framework for curricular and pedagogical decision-making. *Higher Education*, 66(5), 603-618.
- Dempster, N., & Lizzio, A. (2007). Student Leadership: Necessary Research. *Australian Journal of Education*, 51(3), 276-285.
- Hilliard, A. T. (2010). Student leadership at the university. *Journal of College Teaching & Learning*, 7(2), 93-98.
- Healey, M., & Jenkins, A. (2009). Developing undergraduate research and inquiry. *Higher Education Academy*, 1-156.
- Hine, G. S. (2014). Student Leadership Development: A Functional Framework. *Journal of Catholic Education*, 18(1), 78-110.
- Kashan, S., Shah, N. H., & Zia-Ur-Rehman. (2019). Impact of Student Leadership on Students' Academic Achievement in Public and Private Universities of Pakistan. *Kashmir Journal of Education*, 1(2), 52-66.
- Li, B., & Kim, S. (2021). Developing Student Leadership Readiness, Core Leadership Skills to Enhance Student Engagement through Organization Development Intervention: Action Research at Zhejiang Yuexiu University of Foreign Languages in Zhejiang Province, the People's Republic of China. *ABAC ODI JOURNAL Vision. Action. Outcome*, 8(1), 82-103.
- Njaramba, L. W. (2022). Student Leadership Roles and Its Impact on Academic Performance. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 10(5), 40-51.
- Pu Wang (2023). The connotation and influencing factors of student leadership, 3 *SHS Web of Conferences* 180, 04004.

- Sehrish, K., Dr. Nazir, H. S., & Zia-Ur-Rehman. (2019). Impact of Student Leadership on Students' Academic Achievement in Public and Private Universities of Pakistan. *Kashmir Journal of Education*, 1(2), 52-66.
- Smith, Austin (2019). Impact of a Student Leadership Experience on the Development of Creativity in Undergraduate Students. *Growth: The Journal of the Association for Christians in Student Development*, 18(18), 39-53.
- Hartfield, Evelyn & Putnam, Kaitlyn & Desai, Anita & Institute, Learnsynergy. (2024). The Role of Effective Communication in Student Leadership. 1. 9857-6165.
- Haniff, N., and P. Daya (2023). "Distributed Leadership: A Model for Student Leadership Engagement". *South African Journal of Higher Education* 37 (4), 102-22.
- Sokhela, N. C., & Murhula, P. B. B.. (2022). Exploring the developmental trajectory of becoming a student leader: developmental, transformational and transactional approaches to leadership. *South African Journal of Higher Education*, 36(5), 256-275.
- Welford, J., Harding, S., Bowes, L., Lamb, H., Birkin, G., Milner, C., Merrett, D., & Hansel, M. (2022). Research leadership in the social sciences: A rapid evidence review. CFE Research.
- Hadziahmetovic, N., Tandir, N., & Dzambić, A. (2023). A Research Review of Leadership Styles. *International Journal of Academic Research in Economics and Management and Sciences*, 12(1), 188-206.